

تفسیر احمد



سُورَةُ الْكَوْثَرِ

Ketabton.com

108

شماره



ترجمہ و تفسیر سورۃ «الکوثر»

تبیع و نگارش: امین الدین سعیدی - سعید افغانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سورة الكوثر

جزء - (30)

سورة «الكوثر» در «مکة مکرمه» نازل شده و دارای ۳ آیه است.

وجه تسمیه:

ابن مردویه از عبدالله بن عباس، عبدالله بن زبیر و عائشہ ای صدیقه (رض) نقل کرده است که این سوره مکی است. کلبی و مقاتل هم آن را مکی قرار می دهند و قول جمهور مفسران هم همین است. اما حسن بصری، عکرم، مجاهد و قتاده آن را مدنی قرار می دهند.

امام سیوطی در اتقان همین قول را صحیح قرار داده و امام نووی در شرح مسلم همین را ترجیح داده است. دلیل اینان روایتی است که امام احمد، مسلم، ابوداود، نسائی، ابن ابی شیبہ، ابن النذر، ابن مردویه، بیهقی و محدثان دیگر از انس بن مالک (رض) روایت کرده اند که رسول الله صلی الله علیہ وسلم میان ما تشریف داشتند که حالتی همانند خواب سبک بر ایشان چیره شد. پس از آن در حالی که تبسیم فرمودند سررا بلند کردند. در برخی روایت ها آمده است که حاضران از ایشان پرسیدند که شما بر چه چیزی تبسیم می فرمایید؟ و در برخی روایت ها آمده است بدون آن که مردم چیزی از ایشان بپرسند خود آن حضرت صلی الله علیہ وسلم فرمودند که الآن سوره ای برمن نازل شد.

طوریکه در حدیث آمده است: «أغْفِي رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِغْفَاءَ، فَرَفَعَ رَأْسَهِ مُتَبَسِّماً فَمَا قَالَ لَهُمْ، وَإِمَّا قَالُوا لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ لَمْ ضَحَّكْتَ؟ فَقَالَ: إِنَّهُ أَنْزَلَتْ عَلَيَّ آنَفَا سورة فقراء «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» حتی ختمها، فلما قرأها قال: هل تدرؤن ما الكوثر؟ قالوا: اللهم ورسوله أعلم! قال: فإنه نهر وعدنيه ربی عز وجل في الجنة، وعليه خير كثير، عليه حوض ترد عليه أمتي يوم القيمة، آنيته عدد الكواكب» البانی در (صحیح أبي داود) (4747). یعنی: «رسول الله صلی الله علیہ وسلم به خواب سبکی فرو رفته بودند سپس تبسمکنان سرشان را از خواب بالا نمودند و خطاب به اصحاب گفتند: آیا می دانید که دلیل تبسیم چه بود؟ یا اصحاب از ایشان دلیل تبسمشان را پرسیدند. فرمودند: همینک بر من سوره‌ای نازل شد. سپس به تلاوت آن پرداختند تا سوره را ختم نمودند. سپس از اصحاب خود پرسیدند: آیا می دانید که کوثر چیست؟

اصحاب گفتند: خدا عزوجل و رسولش داناترند. فرمودند: کوثر نهری است که خدای عزوجل در بهشت به من عطا کرده است و بر آن خیری است بسیار، امتن در روز قیامت بر آن وارد می شوند و ظروف آن به شماره ستارگان است پس بندهای از آن ربوه می شود و من می گویم: پروردگار! آخر او از امت من است. اما به من می گویند: تو نمی دانی که آنان بعد از تو چه پدید آورند؟».

عل نام گزاری سوره کوثر:

قبل از همه باید گفت که: این سوره دارای دو نام است (الکوثر والنحر) ولی این سوره در مصاحف بنام «کوثر» مسمی میباشد. در مورد اینکه چرا این سوره به نام «الکوثر» مسمی گردیده است رای اکثر مفسرین بر این است که آغاز و افتتاح آن به: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» گردیده است. اگرچه برخی از مفسران از جمله: ابن کثیر این سوره را مدنی می دانند. «کوثر»، بر وزن فوعل که صیغه‌ی مبالغه از ماده‌ی کثرت است و اینجا به

معنی فراوانی است؛ یعنی کثرت در هر چیزی را شامل می‌شود و به قرینه‌ی آیات بعدی، اشاره به کثرت در خیر می‌باشد. کثرت در هر چیزی که انسان طالب‌ش است و به آن نیازمند و محتاج می‌باشد. اللہ طبیعت انسان را طوری خلق نموده است که زیاده‌طلبی یکی از خصوصیات شخصیتی اوست. البته باید تعديل شود و به تعادل برسد. مال زیاد و بالاترین مقام را می‌خواهد، طولانی‌ترین عمر را می‌خواهد و نهایتاً اینکه انسان می‌خواهد نمیرد، این معنای سوره است. این سوره هم که یک سوره‌ی مکی است، بنابراین محور سوره هم مشخص است که اصلاح بینش است، زمانی که کسی می‌خواهد اللہ را بندگی کند و دیگران را به بندگی اللہ دعوت کند، می‌بایست احساس ضعف و کمبود نکند و گرنه در دعوتش موفق نخواهد شد و این نکته بسیار مهم می‌باشد. باید اهل کوثر بود و به کم قانع نشد.

پیوند و ارتباط سوره الكوثر با سوره الماعون:

خداؤند متعال در سوره‌ی الماعون، چهار صفت از پستیهای منافقان و دروغ پردازان را بیان فرمود: بخل (ماعون آیات 2 و 3).

1 - سهل انگاری در نماز و بی مقدار شمردن آن (ماعون آیه 5).

2 - ریا و خودنمایی در ادائی نماز (ماعون آیه 6)

3 - خودداری از دادن و سایل عادی کمکی به همسایگان (ماعون آیه 7). در سوره الكوثر نیز در مقابل آن چهار صفت بد، مذموم، مکروه، ناپسندیده، و نامقبول، به چهار صفت پسندیده که به پیامبر خاتم عطا کرده است. اشاره می‌کند:

الف: خیر فراوان و همیشگی در برابر بخل بخیلان: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكُمُ الْكَوْثُرَ»

ب: پایداری در ادائی نماز: «فَصَلِّ»، ج: اخلاص و پاکی در نماز به خاطر خشنودی پروردگارش: «فَصَلِ لِرَبِّكَ» د: قربانی کردن و دستگیری نیازمندان، در مقابل «منع ماعون»؛ یعنی، خود داری از امانت دادن به دست همسایگان.

تعداد آیات کلمات و حروف سوره الكوثر:

سوره کوثر دارای (1) رکوع، و (3) سه آیات، و (11) یازده کلمه، و (37) سی و هفت حرف، و (18) نقطه می‌باشد که از کوچکترین سوره های قرآن کریم بشمار می‌رود. (لازم به ذکر است که اقوال علماء در نوع حساب کردن تعداد حروف سوره های قرآن متفاوت و مختلف است. برای تفصیل این مبحث میتوانید به سوره الطور، تفسیر احمد مراجعه فرماید). این سوره به قول مشهور و قول جمهور مفسران، طوریکه در فوق هم یادآور شدیم از جمله سوره های مکی است. ولی حسن، عکرمه و قتاده فرموده اند که: سوره کوثر مدنی است، که البته رأی ابن‌کثیر نیز همین است.

اسباب نزول:

امام سیوطی در کتاب «اسباب النزول» در مورد شأن نزول سوره کوثر می‌نویسد: «ابن ابوحاتم از سدی روایت کرده است: قریش کسی را که پسرانش فوت می‌شد آنرا ابتر و بی‌پسر می‌گفت. هنگامی که پسر رسول الله صلی اللہ علیه وسلم از دنیا رفت. عاص بن وائل گفت: محمد ابتر و بی‌فرزند شد. پس این کلام خدا نازل شد». «إِنَّا أَعْطَيْنَاكُمُ الْكَوْثُرَ * فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحِرْ * إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» «ما به تو کوثر را عطا کردیم! پس برای پروردگاری نماز بخوان و قربانی کن! (و بدان) دشمن تو قطعاً بریده‌نسل و بی‌عقب است».

عبدالرزاقد المهدی محقق کتاب مذکور در تعلیقی بر این روایت می‌گوید: «واحدی با شماره (873) این روایت از یزید بن رومان روایت کرده، و روایت مرسل است اما با حدیث زیر قوی می‌شود: بیهقی در «دلائل النبوة» از محمد بن علی (بن حسین بن علی بن ابوطالب) رضی الله عنہ مانند این روایت کرده: نام پسر رسول خدا را قاسم گفته است.

و از مجاهد روایت می‌کند: این کلام الله در مورد عاصی بن وائل نازل شده است که می‌گفت: من دشمن محمد هستم. طبری 38217 از مجاهد و طبری 38218 و 38219 از قتاده و طبری 38215 و 38216 از سعید بن جبیر به صورت مرسل روایت کرده است. این ها به مجموع قوی هستند».

در نفسیر انوار القرآن آمده است: مشرکان، رسول اکرم صلی الله علیه وسلم و پیروانشان را ضعیف و حقیر می‌شمرند و به مرگ اولاد ذکورشان قاسم در مکه و ابراهیم در مدینه خوشحال بوده و از درگیر شدن مؤمنان با حوادث سخت یا محنت‌بار شادمانی می‌کردند پس این سوره نازل شد تا اعلام کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم نیرومند و پیروز و پیروانشان غالب اند و مرگ فرزندان به هیچ وجه از شأن ایشان کم نمی‌کند و این دشمنان پیامبر صلی الله علیه وسلم اند که در نهایت بلا عقب می‌باشند زیرا از آنان هیچ نام و آوازه نیکی باقی نمی‌ماند».

تفسر ابو حیان فرموده است: که در مورد کوثر بیست و شش قول آمده است. اما صحیح همان است که پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان کرده است: «رودی است در بهشت کناره‌هایش از طلا و مجرایش بر مروارید و یاقوت است و از مشک خوشبوتر و آبش از عسل شیرین‌تر است». از ابن عباس نقل است که کوثر یعنی خیر فراوان. (البحر ۵۱۹/۸). ابن عباس (رض) فرموده است: کوثر به معنی خیر کثیر است که تمام اقوال مفسران را در بر می‌گیرد؛ زیرا فضایلی فراوان و همه گیر به پیامبر صلی الله علیه وسلم عطا شده است. از جمله نبوت، کتاب، حکمت، علم، شفاعت، خوض، مقام محمود، فراوانی پیروان، پیروزی بر دشمنان، وکثرت فتوحات و سایر خیرات به او عطا شده است.

پیش درآمد سوره کوثر:

سوره‌ی کوثر که از جمله سوره‌های مکی می‌باشد درباره‌ی ارزش و بی‌پایان ولطف و کرم الله متعال نسبت به پیامبرش بحث می‌کند، و این که خیر فراوان و نعمت‌های بی‌پایان دنیا و آخرت را به او عطا کرده که از جمله‌ی آنها نهر کوثر و سایر برکت‌های گرانقدر و فraigیر است. و پیامبر را فرا خوانده است که به منظور سپاسگزاری در مقابل نعمات الله سبحان و تعالیٰ به اقامه‌ی نماز پیردادز و قربانی کند. در ختم این سوره مبارکه، به پیامبر صلی الله علیه و الله و سلم مژده داده شده است که دشمنانش خوار و زبون می‌شوند. خداوند متعال در این سوره تصریح می‌کند که دشمنان پیامبرش بی‌تبار و ابتر هستند.

قابل یادآوری است که در این سوره دو خبر غیبی نهفته است: یکی عطا شدن کوثر به پیامبر، آن هم در مکه‌ای که حضرت دست خالی بود و فرزند پسر نداشت، دیگر ابتر ماندن دشمن که دارای فرزندان و ثروت‌های بسیار بود.

ترجمه و تفسیر سُورَة الْكَوْثَر

جزء - (30)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِهِ نَامُ خَدَى بِخَشَايَنَدَهُ وَمَهْرَبَانُ

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ (۱) فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحِرْ (۲) إِنَّ شَانِكَ هُوَ الْأَبْتَرُ (۳)

ترجمه ی آيات:

«إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» (۱) (ای پیامبر) به راستی که ما به تو کوثر عطا کردیم.

«فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحِرْ» (۲) (پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن)

«إِنَّ شَانِكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» (۳) (بدون شک دشمن تو، بریده نسل و بی عقب است.)

تشریح لغات و اصطلاحات:

«إِنَّا» به درستی ما «أَعْطَيْنَاكَ» عطا کردیم ما تو را، «الْكَوْثَر» (کثراً): خیر و خوبی فراوان، کوثر مبالغه‌ی فراوانی است. قدم فلان بکوثر کثیر: فلانی با خیر و برکت فراوانی بازگشت. «صَلِّ لِرَبِّكَ»: تنها برای پروردگارت نماز بخوان. مراد نماز خالی از ریا است. «انحر»: تنها برای پروردگارت، و تنها به نام او، نه کس و چیز دیگری، قربانی کن، دستها را هنگام تکبیر گفتن، تا مقابل سینه‌ات (صورت) بلند کن.» [غريب القرآن]

«وانحر» اشاره به مهربانی و شفقت نسبت به بندگان خدادست. [تفسیر کبیر].

«شانی» (شنا): دشمن بدخواه، بداندیش. [← مائدہ/۸ و ۲۰، شنیان: دشمنی]. «الْأَبْتَرُ»: از خیر و برکت، بی اصل و تبار و بی‌نام و نشان، بی فرزند، بی سرانجام، عقیم، ناپایدار.

کوثر در لغت عرب:

طوریکه یادآور شدیم؛ «کوثر» از عطای بزرگی و خیر کثیر است، یعنی خیری است که در منتهای بسیاری و فراوانی قرار داشته باشد بنابراین، این کلمه شامل هر خیری می‌شود که به رسول اکرم صلی الله علیه وسلم عنایت گردیده است، اعم از حوض کوثر و دیگر خیرها و برکت‌ها.

و صفات آب نهر کوثر مطابق نصوص و حدیث صحیح؛ عبارت است از «نهری در بهشت که کناره‌هایش از طلا و مجرای آن برمروارید و یاقوت است و از مشک خوشبوتر است. آبش از عسل شیرین‌تر و از برف سفیدتر است. هر کس از آن بنوشد بعد از آن هرگز تشننه نمی‌شود». (روایت از ترمذی).

تفسیر:

«إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» (۱):

ما به تو خیر فراوان دادیم! روی سخن ومخاطب در تمام این سوره به پیامبر صلی الله علیه وسلم است، مانند سوره والضحی و سوره الم نشرح و یکی از اهداف مهم هر سه سوره، تسلی خاطر آن حضرت در برابر انبوه حوادث دردنگا و زخم زبانهای مکرر دشمنان است. الله سبحان و تعالی به وعده‌ای خود عمل می‌کند. در سوره ضحی، خداوند و عده‌ی عطا به پیامبر داده بود: «وَ لَسَوْفَ يُعْطِيَكَ رَبُّكَ فَتَرْضِيَ» (ضحی، ۵). پروردگارت در آینده عطائی خواهد کرد که تو راضی شوی. در این سوره می‌فرماید: ما به آن وعده عمل کردیم. «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ».

قابل یادآوری است که در نعمت‌ها، سرورو شادی‌ها نباید پروردگار خویش را فراموش کنیم.

در این سوره دو خبر غیبی نهفته است:

یکی اینکه: عطا شدن کوثر به پیامبر، آن هم در مکه معظمه که پیامبر صلی الله علیه وسلم دست خالی بود و فرزند پسر نداشت، دیگر ابتر ماندن دشمن که دارای فرزندان و ثروت های بسیار بود.

بنابراین پروردگار با عظمت ما با زیبایی خاصی می‌فرماید «اناعطیناک الكوثر». (ما به تو کوثر (خیر و برکت فراوان) عطا کردیم).

«أَعْطَيْنَا» به معنای دادیم و بخشیدیم است که این ظرفیتی که در «أَعْطَيْنَا» وجود دارد اعطاء است و در اعطاء نوعی حرمت برای آن کسی که چیزی را می‌گیرد وجود دارد و در حقیقت وقتی می‌خواهند حرمت بگذارند می‌گویند ما عطا کردیم و نکته دیگر، با اینکه ما می‌دانیم فاعل أَعْطَيْنَا الله است ولی در عین حال این با صیغه جمع به کار رفته به جای اینکه بگوید من به تو این را دادم می‌گوید ما داده ام که با نوعی حشمت و جبروت و موضع بالا و قدرت همراه است.

«أَعْطَيْنَا» طوریکه در فوق یاد اور شدیم عطا به معنای مطلق بخشش است. بخششی که اگر از طرف الله باشد طبیعتاً بخششی بی‌منت است. و اگر این بخشش از جانب غیر الله باشد، می‌تواند بی‌منت باشد و یا هم با منت باشد.

همچنان اگر این بخشش از طرف خداوند باشد در انسان تحول مثبت ایجاد می‌کند و اگر دهنده غیر خدا باشد، ما هر لحظه باید منتظر تحقیر باشیم، یا منتظر باشیم که پیشمان شود و آن را از ما پس بگیرد. تنها دهنده ایکه به خیال ارام و مطمین به انسان چیزی ارزانی می‌فرماید فقط پروردگار با عظمت است که: هر چه را که به ما داده است از ما نمی‌گیرد. ولی متاسف هستیم که کمترین شکران نعمت را هم انسان از خداوند بعمل می‌آورد. بیشترین تشکر را در رابطه با کسانی دارد که کمترین ها را می‌دهند و منتظر بیشترین تشکرها هستند.

در تفسیر جلوه‌های از اسرار قرآن کریم در سوره الكوثر مینویسد:
 «صیغة «اعطیناک» بتوازن عطا کردیم این مطلب را میرساند که مراد از کوثر نعمت‌های است که به پیامبر صلی الله علیه وسلم عملاً داده شده است، نعمت‌هاییکه پیامبر صلی الله علیه وسلم با تمام وجود خود آنرا احساس می‌کند، وچنان برایش قابل درک است تذکر وتوضیح نیز ضرورتی احساس نمی‌شود، اطلاق الكوثر بر نعمت‌هاییکه در اختیار پیامبر صلی الله علیه وسلم قرار می‌گیرند و یا در بهشت به او عنایت می‌شود با روحیه سوره و الفاظ آن نمی‌سازد.»

«فَصَلِ لِرَبِّكَ وَأَنْحِرَ» (2):

يعني سريع به خاطر آن بخشش کثیر الخيري که به تو عنایت شده تقاضای انعام دو عمل به میان آمده است، اولین عمل این است که برای پروردگار خویش خالصانه نماز وسجه را بر پا دار، و به اصطلاح مفسرین(ارتباط مستقیم با خالقت برقرار کن).قابل تذکر است که: تشکر باید فوری باشد. «فَصَلِ» (حرف فاء برای تسریع است).

دومین خواست اینست که به خاطر نعمت عظیمی، که برایت داده شده است شتر را نحر یعنی قربانی کن که بهترین اموال عرب است.

«فصل» آنچه می‌تواند به عنوان تشکر از کوثر قرار گیرد، نماز است. «فصل لریک» ملاحظه میداریم که: دستورات دینی، مطابق عقل و فطرت است. عقل تشکر از نعمت را لازم می‌داند، دین هم به همان فرمان می‌دهد.

پروردگار با عظمت می‌فرماید: به شکرانه این نعمت‌ها خالصانه برای ما بر نمازهای فرض خویش مداومت کن «و قربانی کن» برای رضای ما و به نام ما، نه مانند بـت پرستان که برای غیر ما قربانی می‌کنند.

در التسهیل آمده است: مشرکان سوت زنان و کف زنان نماز می‌خوانند و شتر را برای بت‌ها نحر می‌کرند، لذا خداوند متعال به پیامبرش فرمان داد که نماز و قربانی‌اش باید خالصانه برای وی باشد. و فقط در راه او شتر را نحر کن و بس. پس امر به توحید و اخلاص می‌شود.

قتاده، عطاء و عکمه می‌گویند: مراد از (وانحر) ادای نماز عید اضحی و ذبح قربانی در آن است. اما ابن‌کثیر می‌گوید: «صحیح آن است که مراد از نحر، ذبح حیوانات هدیه و قربانی در حج و مناسک می‌باشد». ابن‌کثیر در این باره حدیثی را نیز نقل کرده است. وظیفه ای که خداوند متعال برای انسان‌ها در مقابل نعمت‌ها اعطای شده بیان کرده است، شکر نعمت است ولی نکته ای که باید به ان توجه کرد این است که بین نعمت و تشکر تناسب لازم است، این بدین معنی است هر چه که حجم نعمت بزرگتر و عظیم‌تر باشد، ضرورت به تشکر بیشتری را می‌نماید.

پروردگار با عظمت ما در این سوره به دادن نعمت کوثر به پیامبر صلی الله علیه اشاره نموده است، «کوثر» وصف است که از «کثرت» گرفته شده، و به معنی خیر و برکت زیاد و فراوان است، بناءً این نعمت عظیم و خیر فراوان، شکرانه عظیم لازم دارد لذا خداوند در مقابل این نعمت دو وظیفه را بر دوش پیامبر صلی الله علیه وسلم قرار میدهد، و می‌فرماید: «فصل لربک و انحر»؛ اکنون که چنین است فقط برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن.

ملاحظه می‌فرماید: اولین وظیفه ای که به عنوان تشکر از کوثر قرار می‌گیرد نماز است، نماز جامع ترین و کاملترین نوع عبادت است که در آن هم قلب باید حضور داشته باشد با قصد قربت و هم زبان با تلاوت حمد و سورة و هم بدن با رکوع و سجود.

دومین وظیفه که به عنوان تشکر از کوثر قرار می‌گیرد: نحر کردن است یعنی قربانی است، کلمه «وانحر» از ماده «نحر» است که مخصوص کشتن شتر است و شاید علت آوردن تعبیر «و انحر» به خاطر این است که در میان قربانیها شتر از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و مسلمانان علاقه بسیار به آن داشتند و قربانی کردن شتر بدون ایثار و گذشت ممکن نبود و چون خداوند خواسته بین نعمت (کوثر) و شکر آن تناسب داشته باشد دستور به «نماز» و «کشتن شتر» داده است.

نماز یک نوع عبادت است که برای غیر الله معنا ندارد مخصوصاً با توجه به مفهوم «رب» که حکایت از تداوم نعمت‌ها و تدبیر و ربویت پروردگار دارد، زیرا «رب» از کلمه «ربب» به معنای مالکی است که امر مملوک خود را تدبیر می‌کند. این دستور خداوند «فصل لربک» در برابر اعمال مشرکان است که برای بـت‌ها سجده و قربانی می‌کرند، در حالی نعمتهاي خود را از خدا می‌دانستند. به هر حال تعبیر «لربک» دلیل روشنی است بر لزوم قصد قربت در عبادات.

ارتباط «فصل» با «وانحر» چیست؟

برای اینکه ارتباط بین این دو جمله مشخص شود باید ابتدا به تفسیرهایی که از «وانحر» بعمل آمده است، پردازیم و در ذیل آن به ارتباط این دو جمله اشاره کنیم:

الف: «وانحر»: از ماده‌ی نَحْر است، به معنی گلوگاه و اینجا گلوی شتر را می‌گویند. اگر دقت کرده باشید و یا شنیده باشید برای سر بریدن شتر، نمی‌توان شتر را مانند سایر حیوانات سر برید. برای همین ابتدا شتر را نَحْر می‌کنند، یعنی نیزه‌هایی را به گردش می‌زنند و بعد از اینکه بدنش سست شد، به زمین می‌افتد و سپس سرش را می‌برند. به این عمل نَحْر گفته می‌شود که به معنی قربانی نیز آمده است.

و شاید علت امر به «نَحْر» بعد از دستور به نماز، اشاره به ارتباط بندۀ با بندگان بعد از ارتباط بندۀ با الله باشد؛ یعنی اگر انسان با خدا ارتباط داشته باشد نمی‌تواند ارتباط خودش را با جامعه قطع کند و به فکر فقرا و مستمندان نباشد، بلکه باید هر دو ارتباط را تقویت کند.

ب: منظور از جمله «وانحر» رو به قبله ایستادن به هنگام نماز است، چرا که ماده «نَحْر» به معنای گلوگاه می‌باشد، سپس عرب آن را به معنای «مقابله با هر چیز» استعمال کرده است.

در اینجا نیز که خداوند دستور به ایستادن رو به قبله دارد، در واقع به یکی از شرایط نماز اشاره نموده است.

آیه دلیل بر وجوب تقديم نماز عید بر ذبح قربانی است و این نظر جمهور است و جایز است که منظور ادای نماز صبح در مزدلفه و هدی و قربانی در منی باشد.

بیان این موضوع برای آموزش امتش می‌باشد و اینکه منظور از نماز در اینجا نماز عید و منظور از «نَحْر» قربانی کردن باشد، هیچ مانعی نیست که آن نماز و قربانی مشمول سایر نمازها و مناسک باشد.

ج: منظور بلند کردن دستها به هنگام تکبیر و آوردن آن در مقابل گلوگاه و روی و صورت است.

دروس آموزنده از آیه «فصل لِرِبِّكَ وَ انْحَرْ»:

دروس آموزنده که از آیه «فصل لِرِبِّكَ وَ انْحَرْ» میتوان استنباط کرد اینست که:

- نعمت‌ها حتی برای پیامبر اسلام مسئولیت آور است. (اعطیناک... فصل)
- تشکر باید فوری باشد. (فصل) «حرف فاء برای تسريع است»
- دستورات دینی، مطابق عقل و فطرت است. عقل تشکر از نعمت را لازم می‌داند، دین هم به همان هدایت می‌فرماید. (فصل لربک و انحر)

چون عطا از او است (انا اعطینا) تشکر هم باید برای او باشد. (فصل لربک)

رابطه با الله بر رابطه با خلق مقدم است. (فصل... و انحر)

انفاقی ارزش دارد که در کنار ایمان و عبادت باشد. (فصل لربک و انحر)

نمازی ارزش دارد که خالصانه باشد. (لربک)

«إِنَّ شَائِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرَ» (3) «:

در حقیقت بدخواحت از هر خیر و برکتی بریده است. مفسران گفته‌اند: وقتی «قاسم»، پسر پیامبر صلی الله علیه و سلم درگذشت، عاص بن وائل گفت: او را بگذارید، مردی بلا عقب می‌باشد. ابتر یعنی نسلی ندارد. پس وقتی بمیرد نامش به فراموش می‌رود. آنگاه الله متعال

این سوره را نازل کرد. و خدا خبر داد که این کافر خود ابتر است. هر چند که دارای اولاد هم باشد؛ زیرا از رحمت خدا محروم است و جز به لعن و نفرین نامش برده نمی‌شود. اما پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم نامش تا آخر زمان جاودانه بر بلندای ماذن و منبرها بر زبان خواهد بود. نامش در کنار نام الله قرار دارد و مؤمنان تا روز قیامت از او پیروی می‌کنند، پس برای آنان صورت پدر را دارد. درود و سلام خدا بر او باد!

تفسیر جلوه‌های از اسرار قرآن در این مورد می‌نویسد: از این آیه متبرکه طوری معلوم می‌شود که این سوره در زمان نازل گردیده است که دشمنان پیامبر صلی الله علیه وسلم ویاران اورا درمکه به محاصره کشانیده، مقاطعه عمومی علیه انان اعمال گردیده، رابطه اش را با همه اقوام و قبایل مکه قطع نموده و احساس کرده اند که پیامبر صلی الله علیه وسلم را از مردم تجرید نموده و راه های نفوذ بین مردم بسته اند، (جلو هها های از اسرار قرآن در تفسیر سوره الكوثر)

همچنان در آیه دو موضوع قابل ذکر است که:

- ۱ وجود دو تأکید (إنَّ و هُوَ) نشانه آن است که دشمن و بدخواه تو بدون نسل خواهد ماند
- ۲ شانی اسم فاعل است یعنی شامل دشمن گذشته، حال و آینده می‌شود پس اشاره قرآن فهمیده می‌شود که دشمن پیامبر در همه زمان‌ها بدون نسل خواهد بود.

تفسیر سوره کوثر برویت حدیثی انس بن مالک:

أنس بن مالك بن النضر بن ضمضم ملقب به «أبو حمزه»، متولد مدينة منوره از جمله صحابه جليل القدر می‌باشد که در سنین کودکی به پیامبر اسلام ایمان اورده اندواز جمله خادم رسول الله صلی الله علیه وسلم بوده و در تعداد زیاد غزوات با رسول صلی الله علیه وسلم اشتراک ورزیده و از جمله محدثین معتبر جهان اسلام اند در مورد تفسیر سوره کوثره می‌نویسد: «أغْفِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِغْفَاءَ، فَرُفِعَ رَأْسُهُ مَتَبِسِّماً، فَإِمَا قَالَ لَهُمْ، وَإِمَا قَالُوا لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ لَمْ ضَحَّكْتَ؟ فَقَالَ: إِنَّهُ أَنْزَلْتَ عَلَيَّ أَنْفَا سُورَةَ فَقْرَأْ (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ) حَتَّى خَتَمَهَا، فَلَمَّا قَرَأَهَا قَالَ: هَلْ تَدْرُونَ مَا الْكَوْثَرُ؟ قَالُوا: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ! قَالَ: فَإِنَّهُ نَهْرٌ وَعَدْنِيهِ رَبِيْعٌ عَزْ وَجْلٌ فِي الْجَنَّةِ، وَعَلَيْهِ خَيْرٌ كَثِيرٌ، عَلَيْهِ حَوْضٌ تَرَدُّ عَلَيْهِ أَمْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ، آنِيَتِهِ عَدْدُ الْكَوَاكِبِ» ألبانی در «صحیح أبي داود» (4747). یعنی: «رسول الله صلی الله علیه وسلم به خواب سبکی فرو رفته بودند سپس تبسمکنان سرشان را از خواب برداشتند و خطاب به اصحاب گفتند: آیا می دانید که دلیل تبسم چه بود؟ یا اصحاب از ایشان دلیل تبسمشان را پرسیدند. فرمودند: همینک بر من سوره ای نازل شد.

خداوند به پیامبر ش محمدصلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» ما به تو خیر فراوان و فضل زیاد داده ایم از جمله آن نهر و حوضی است که خداوند به پیامبر ش داده و کوثر نامیده می‌شود که طول آن به مسافت یک ماه و عرض آن نیز به مسافت یک ماه است و آب آن از شیر سفیدتر و از عسل شیرین تر است و ظرف و کیلاس های آن به اندازه ستارگان آسمان زیاد و همان طور درخشان می‌باشند. هر کس یک بار از حوض کوثر بنوشد هرگز تشننه نخواهد شد.

وقتی خداوند منت خویش را بر پیامبر بیان کرد، او را به سپاسگزاری نعمت فرمان داد و فرمود: «فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحِرْ» «پس برای پروردگارت نماز بگزار» یعنی: ای پیامبر صلی الله علیه وسلم! چنان‌که به تو در دنیا و آخرت خیر بسیار داده‌ایم پس به شکرانه این نعمت‌ها

خالصانه برای ما بر نماز های فرض خویش مداومت کن «و قربانی کن» برای رضای ما و بهنام ما، نه مانند بتپرستان که برای غیر ما قربانی می کنند. و کسانی از مشرکان بودند که برای غیر خداوند قربانی می کردند لذا خداوند عزوجل به پیامبرش فرمان داد که نماز و قربانی اش باید خالصانه برای وی باشد. قتاده، عطاء و عکرمه می گویند: مراد از «وَأَنْحَرْ» ادای نماز عید اضحی و ذبح قربانی در آن است. اما ابن‌کثیر می گوید: «صحیح آن است که مراد از نحر، ذبح حیوانات هدیه و قربانی در حج و مناسک می باشد». ابن‌کثیر در این باره حدیثی را نیز نقل کرده است.

«إِنَّ شَائِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ»: «بِيَّ گمان دشمنت خود ابتر است» یعنی: بدون شک، این دشمن توست که از هر دو خیر دنیا و آخرت بریده، بلاعقب و بی‌سرانجام است. یا این دشمن توست که از وی بعد از مرگش نام و آوازه نیکی باقی نمی‌ماند. چنان‌که گفتیم؛ در جاهلیت به کسی از مردان که فرزند مذکوری نداشت، ابتر می‌گفتند. حسن بصری رحمه‌الله می‌گوید: «مراد مشرکان از ابتر بودن پیامبر صلی الله علیه وسلم این بود که ایشان قبل از آن که به هدف نهایی خود برسند، در نیمه راه دعوت ناکام می‌مانند اما خداوند عزوجل در اینجا روشن ساخت که این دشمنان پیامبر صلی الله علیه وسلم اند که ناکام و بی‌نام و نشان می‌مانند». (مواخذ: تفسیر انوار القرآن، تفسیر علامه عبدالرحمن سعدي، اسباب النزول سیوطی).

البته مفسران در معنای کوثر اقوال متفاوتی دارند؛ بعضی با استناد به احادیث صحیحه گفته اند: «نهری در بهشت است» بعضی گفته اند: حوضی در بهشت است، بعضی گفتند: یعنی خیر فراوانی که نصیب پیامبر صلی الله علیه وسلم شده، بعضی گفتند: قرآن و نبوت است، بعضی گفتند: کثرت اصحابی است که خدای متعال آنان را همراه وی کرده است.

اما قول بیشتر مفسرین اینست که کوثر یعنی خیر کثیری که نصیب پیامبر صلی الله علیه وسلم شده که از جمله نهر کوثر در بهشت است که به پیامبر صلی الله علیه وسلم اعطاء شده است، و دلایل زیادی در تایید این مطلب وارد شده است، مثلًا از عایشه رضی الله عنها در مورد این سخن خداوند متعال که می فرماید: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» پرسیدند.

گفت: «نَهَرٌ أَعْطِيهُ نَبِيًّا مُّصَلِّي اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شَاطِئًا عَلَيْهِ ذُرْ مُجَوَّفٌ آنِيَّةٌ كَعَدَ النُّجُومِ».

(بخاری: 4965)

یعنی: نهری است که به پیامبر شما عطا شده است. و در دو طرف آن، مرواریدهای میان تهی، وجود دارد و تعداد ظروف آن، مانند تعداد ستارگان (زیاد) است. ابن جریر طبری - امام المفسرین - ضمن آنکه تمام اقوال مختلف را در معنای کوثر آورده، در آخر می گوید: با توجه به کثرت روایات از نظر ما کوثر نهری در بهشت است که به پیامبر صلی الله علیه وسلم عطا شده است.

ابتر کیست؟

علمای علم لغت کلمه ابتر را برگرفته از «بَتْرٌ» به معنای قطع و بریدن می‌دانند. جوهري «بَتَرَتُ الشَّيْءَ» را به معنای قطع چیزی پیش از پایان یافتن آن و «ابتار» را انقطاع و «سیف باتر» را شمشیر برنده، و «ابتر» را دم بریده و چیز بدون دنباله دانسته است. به گفته راغب، ابتر به حیوان دم بریده، سپس به مناسبت، به کسی که نسلی نداشته باشد تا جانشینش شود، می‌گویند؛ هم چنین بر اساس روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم به

کلامی که با یاد خدا آغاز نشود، ابتر گویند. ابن منظور هم گفتاری نزدیک به این دو نظر دارد. به روایت ابن عباس و سعدی، قریش، به مردی که پسرانش می‌مردند نیز ابتر میگفت. کلمه ابتر صرف یک بار آنهم در آیه سوم همین سوره کوثر به کار رفته و در آن دشمن پیامبر صلی الله علیه وسلم معرفی شده است: «إِنْ شَائِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ = همانا دشمن تو ابتر است».

«شائی» زبان شناسان، این کلمه را به مبغض؛ یعنی کینهورز و متنفر معنا کرده‌اند، (ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، محقق، مصحح، میر دامادی، جمال الدین، جلد 1، صفحه 102، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، دار صادر، چاپ سوم، 1414ق) ولی مفسر شهیر جهان اسلام ابن عباس می‌فرماید که: مراد از این کلمه دشمن می‌باشد. ولی بر اساس برخی از نقل قول‌ها اشخاصی خود را «شائی» پیامبر معرفی می‌کنند و قرآن در جوابشان نیز از همین کلمه را استفاده کرده است: «عاص بن وائل می‌گفت: من شائی محمد هستم (طبری، محمد بن جریر، جامع البيان في تفسير القرآن، جلد 30، صفحه 212، بیروت، دار المعرفة، چاپ اول، 1412ق).

پیام‌های سوره کوثر:

- 1 بیشترین خیر در کوچکترین سوره قرار داده شده است. (إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ)
- 2 در کوچکترین مطلب می‌توان بیشترین خطاب را قرار داد. (خداوند پنج بار رسولش را مورد خطاب قرار داده است از این پنج مورد، دو مورد امری و دستوری است و سه مورد عادی است.)
- 3 در جایگاه مسئولیت همیشه نباید از خطاب‌های دستوری استفاده کرد. (سه مورد از خطاب خداوند عادی است.)
- 4 لازمه‌ی تشکر نعمت‌های الهی انجام فرائض دینی است. (فَصَلِّ).
- 5 اگر خیر کثیر یا نعمت فراوان به انسان روی آورد یک مقدار آنرا انفاق کند تا دیگران و نیازمندان از آن استفاده کنند. «وَأَنْحَرْ»
- 6 نعمت فراوان باید خود را در جامعه نشان دهد تا دیگران از آن استفاده کنند. «وَأَنْحَرْ»
- 7 در مقابل راه پیامبر صلی الله علیه وسلم سد شدن نتیجه جزء ابتر نخواهد داشت.
- 8 در مقابل دشمن در صورتی که قصد تخریب داشته باشد نوش می‌کند. «إِنَّ شَائِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ»

ثواب قرائت سوره کوثر:

در ثواب قرائت سوره کوثر حدیثی داریم از پیامبر صلی الله علیه وسلم که می‌فرماید: «کسی که سوره کوثر را قرائت کند، خداوند متعال، او را از حوض کوثر و هر نهر بهشتی سیراب می‌گرداند و ده برابر کسانی که در روز عید قربان برای خداوند قربانی می‌کنند، به ثواب و پاداش عنایت می‌کند.»

حوض کوثر:

کلمه «کوثر» از «کثرت» است به معنای خیرکثیر. کوثر، حوضی است در بهشت یا صحرای محشر که خداوند متعال به پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم عطا کرده است و مؤمنان هنگام ورود به بهشت از آب آن سیراب می‌شوند.

تفسیرین در معنای کوثر اقوال و روایات مختلف و متفاوتی را روایت فرموده‌اند، برخی از مفسرین با استناد به احادیث صحیحه گفته اند که «کوثر»: «نهری در بهشت است» برخی

دیگر از مفسرین می فرمایند «کوثر» حوضی است در بهشت، برخی دیگری می فرمایند همینکه خیر فراوانی که نصیب پیامبر صلی الله علیه وسلم شده، همین حوض کوثر است، برخی از مفسرین بدین عقیده اند که کوثر: قرآن عظیم الشان و نبوت است، وبعضاً دیگر از مفسرین بدین عقیده اند که: کثرت اصحابی است که خدای متعال آنان را همراه وی کرده است.

ولی اکثریت مفسرین بدین عقیده هستند که کوثر یعنی خیر کثیری که نصیب پیامبر صلی الله علیه وسلم شده که از جمله نهر کوثر در بهشت است که به پیامبر صلی الله علیه وسلم اعطاء شده است، و دلایل زیادی در تایید این مطلب وارد شده است، از جمله حدیثی داریم از حضرت بی بی عایشه رضی الله عنها در مورد این سخن خداوند متعال که می فرماید: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» پرسیدند. گفت: «نَهَرٌ أَعْطِيهُ نَبِيُّكُمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شَاطِئًا نَهَرٌ مُجَوَّفٌ آنِيَةٌ كَعَدَدِ الْجُوْمُ». (بخاری: 4965)

یعنی: نهری است که به پیامبر شما عطا شده است. و در دو طرف آن، مرواریدهای میان تهی، وجود دارد و تعداد ظروف آن، مانند تعداد ستارگان (زیاد) است».

ابن جریر طبری - امام المفسرین در معنای کوثر مینویسد: کوثر نهری در بهشت است که به پیامبر صلی الله علیه وسلم عطا شده است.

خداوند متعال با اعطای حوض بزرگ و بسیار وسیعی که آبش از شیر سفیدتر و از عسل شیرین‌تر و بویش از بوی مشک خوشبوتر است، از بندۀ و فرستاده‌اش، محمد صلی الله علیه وسلم اکرام و تجلیل می‌کند. گیلاس‌های آن حوض مانند ستاره‌های آسمان فراوان هستند. آب پاکیزه‌ی آن از رود کوثر وارد این حوض می‌شود، همان رود کوثری که خداوند آن را در بهشت به محمد صلی الله علیه وسلم اختصاص داده است.

امت حضرت محمد صلی الله علیه وسلم بر این حوض وارد می‌شوند، هر کس یک مرتبه از آب این حوض بنوشد، دیگر تا ابد تننه نخواهد شد.

در باره محل وقوع این حوض علماء اختلاف نظر دارند، امام غزالی و قرطبي بر این عقیده هستند که این حوض پیش از عبور کردن از پل صراط در میدان محشر قرار دارد و بر این مدعای چنین استناد کرده‌اند که بعضی از وارد شوندگان بر این حوض به دوزخ فرستاده می‌شوند، و اگر این حوض بعد از (پل صراط) می‌بود برگرداندن بعضی از آنجا به دوزخ ممکن نمی‌بود. «تذكرة»: 302.

علامه ابن حجر دیدگاه امام بخاری را چنین نقل کرده است، که حوض کوثر بعد از (پل صراط) است، به دلیل اینکه امام بخاری احادیث مربوط به حوض را بعد از بیان احادیث (پل صراط) و شفاعت آورده است. فتح الباری: (466/11)

البته دیدگاه امام قرطبي صحیح تراست. ابن حجر رحمه الله دلایل هر دو گروه را در کتاب ارزشمند خود «فتح الباری» آورده است.

طول و عرض حوض کوثر:

طول و عرض حوض کوثر مطابق روایات اسلامی برابر است هر گوشه‌های آن مسیر یک ماه است.

علماء در وصف آب کوثر می‌گویند که آب آن از جنت می‌آید. و به اصطلاح آبراه و ناوادان آن از جنت کشیده شده یکی از آنها از طلا و دیگری از نقره است و ظرفهای آن که تعداد آن به اندازه ستارگان آسمان است.

احادیثی واردہ در مورد حوض کوثر:

احادیثی را که خطیب تبریزی آنها را در مشکاة خود آورده است، غرض توضیح مساله خدمت خوانندگان محترم تقديم میدارم:

1 - بخاری و مسلم از عبدالله بن عمرو بن العاص روایت می‌کنند که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «حوضی مسیره شهر، وزروایاه سواه. ماؤه أبيض من اللبن، وريخه أطيب من المسك، وكیزانه کنجوم السماء، من يشرب منها فلا يظمأ أبداً». (وسعت حوضم به مسافت یک ماه است)، آبش از شیر سفیدتر و از مشک خوشبوتر و کوزه‌هایش به اندازه ستارگان آسمان است. هر کس یک بار از آن بنوشد هرگز تشنہ نخواهد شد).

2 - ابوهریره از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت می‌کند که فرمودند: «إن حوضي أبعد من أيلة من عدن فهو أشد بياضاً من الثلج، وأحلي من العسل باللبن، ولا ينته أكثر من عدد النجوم، وإنني لأصدق الناس عنه كما يصدق الرجل إبل الناس عن حوضه»، قالوا: يا رسول الله! أتعرفنا يومئذ؟ قال: "نعم لكم سيماء ليست لأحد من الأمم، تردون علي غراً محجلين من أثر الضوء». رواه مسلم

يعنی: مسافت حوضم بیشتر از مسافت ایله تا عدن است. از برف سفیدتر و از عسل شیرین تر است، و ظرف‌هایش از تعداد ستارگان بیشتر است. من مردم را پس می‌زنم همان طوری که انسان شتران دیگران را از حوضش دور می‌سازد، گفتند: ای رسول الله صلی الله علیه وسلم! آیا ما را در آن روز خواهی شناخت؟ فرمود: آری، چهره‌های شما با دیگران متفاوت است. شما با چهره‌ای نورانی و دست و پایی درخشان، بر اثر وضو بر من وارد می‌شوید.

3 - در روایاتی دیگر از حضرت انس رضی الله عنه چنین آمده است که پیامبر الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «تُرِي فِيهِ أَبْارِيقَ الْذَهَبِ وَالْفَضَّةِ كَعَدْدِ نَجُومِ السَّمَاءِ». یعنی: تعداد آفتابه‌های طلایی و نقره‌ای به اندازه ستاره‌های آسمان می‌باشد.

4 - در روایتی دیگر از حضرت ثوبان چنین آمده است: درباره آب آن سؤال شد؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «أشد بياضاً من اللبن، وأحلي من العسل يغت فيه ميزابان يمدانه من الجنة، أحدهما من ذهب والآخر من ورق». یعنی: آبش از شیر سفیدتر است، از عسل شیرین تر است، دو میزاب (آب راهه) که از بهشت سرچشمہ گرفته و یکی از طلا و دیگری از نقره است به آن می‌ریزند.

چه کسانی وارد حوض کوثر و چه کسانی از آن رانده می‌شوند؟

احادیث زیادی پیرامون کسانی که وارد حوض می‌شوند یا از حوض رانده می‌شوند، وارد شده است، که برخی از این روایت عبارتند از:

بخاری و مسلم از حضرت انس بن مالک رضی الله عنه روایت کردند که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: «ليردن على الحوض رجال ممن صاحبني، حتى إذا رأيتهم، ورفعوا إلي، اختجوا دوني، فلأقولن: أي رب، أصحابي، أصحابي، فليقالن لي: إنك لا تدری ما أحذثوا بعدك». یعنی: افرادی از آنان که در دنیا با من همراه بودند، نزد من بر حوض آورده می‌شوند و وقتی که به من نشان داده می‌شوند، من آنان را می‌بینم، و بعد به سرعت از پیش من ربوه می‌شوند، من به ندا در می‌آیم و می‌گویم: پروردگار! اینان از امت هستند. گفته می‌شود: تو نمیدانی آنها بعد از تو چه کارها کرده‌اند؟

- بخاری و مسلم از طریق ابی حازم از سهل بن سعد ساعدی رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول الله اصلی الله علیه وسلم فرمودند: «أنا فرطكم علي الحوض، من ورد شرب، ومن شرب لم يظماً أبداً، وليردن علي أقوام أعرفهم ويعرفونني، ثم يحال بيني وبينهم، قال أبو حازم: فسمع النعمان بن أبي عیاش وأنا أحدثهم هذا الحديث، فقال: هكذا سمعت سهلاً يقول؟ فقلت: نعم، قال: وأنا أشهد علي أبي سعيد الخدري لسمعته يزید، فيقول: فإنهم مني، فيقال: إنك لا تدری ما أحدثوا بعدك، فاقول: سحقاً سحقاً لمن بدل بعدي».

يعنی: من در حوض بر شما پیشی می‌گیرم. هرکس بر من گذرد از آن می‌نوشد و هر کس بنوشید هرگز تشهنه نخواهد شد. گروهی که من آنها را شناخته و آنها نیز مرا می‌شناسند می‌خواهند بر من وارد شوند، ولی از ورودشان جلوگیری می‌شود».

ابو حازم گوید: نعمان بن ابی عیاش این حدیث را از من شنید و به من گفت: آیا واقعاً اینگونه از سهل شنیده‌ای؟ گفتم: آری. گفت: گواهی می‌دهم که من این حدیث را از ابو سعید خدیری شنیده‌ام که اینگونه آن را ادامه داد: «می‌گوییم: اینان از امتم هستند. گفته می‌شود: تو نمی‌دانی آنها بعد از تو چه کارها کرده‌اند؟ می‌گوییم: نابود باد، کسی که بعد از من منحرف شده است».

در روایت بخاری آمده است که پیامبر الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «بینما أنا قائم على الحوض، إذا زمرة، حتى إذا عرفتهم خرج رجل من بياني وبينهم، فقال: هلم، فقلت: إلي أين؟ فقال: إلي النار والله، فقلت: ما شأنهم؟ فقال: إنهم قد ارتدوا علي أدبارهم القهيري، ثم إذا زمرة أخرى، حتى عرفتهم خرج رجل من بياني وبينهم فقال لهم: هلم، قلت: إلي أين؟ قال: إلي النار والله، قلت: ما شأنهم؟ قال: إنهم قد ارتدوا علي أدبارهم، فلا أراه يخلص منهم إلا مثل همل النعم». یعنی: در حالی که بر حوض کوثر ایستاده‌ام، ناگهان دسته‌ای را می‌بینم، اما بعد از اینکه آنها را می‌شناسم، شخصی میان ما و آنها بیرون می‌آید و می‌گوید: حرکت کنید. می‌گوییم: آنها را به کجا می‌برید؟ می‌گوید: به خدا سوگند آنها را به میان آتش سوق می‌دهم. می‌گوییم: مگر آنها چکار کرده‌اند؟ می‌گوید: آنها از دین و آیین پشت کردد و مرتد شدند، سپس ناگهان دسته‌ای دیگر را می‌بینم، اما بعد از اینکه آنها را می‌شناسم، شخصی میان ما و آنها بیرون می‌آید و می‌گوید: حرکت کنید. می‌گوییم: آنها را به کجا می‌برید؟ می‌گوید: به خدا سوگند آنها را به میان آتش سوق می‌دهم. می‌گوییم: مگر آنها چکار کرده‌اند؟ می‌گوید: آنها از دین و آیین پشت کردد و مرتد شدند، در میان آنها کسی را نمی‌بینم که باقی گذارده شود، مگر اینکه همانند حیوانی رها شده باشد.

امام قرطبي بعد از ذکر احادیث فوق در کتاب «الذکرة» می‌فرماید: دانشمندان اسلامی راجع به احادیث مربوط به حوض گفته‌اند: تمامی کسانی که از دین برگشته‌اند و مرتد شده‌اند، یا اینکه بدعتهایی در دین به وجود آورده‌اند که خداوند بدان راضی نیست و بدان اجازه نداده، تمامی اینها از ورودشان به حوض جلوگیری می‌شود و از آن رانده می‌شوند، اما کسانی که به شدت با آنها برخورد می‌شود و هرگز اجازه داده نمی‌شود که به حوض نزدیک شوند کسانی هستند که از جماعت مسلمانان جدا گشته و راهی دیگر را برگزیده‌اند، امثال فرقه‌های گوناگون خوارج، رواضیهای گمراه و معزلیهایی که از هوی و هوس تبعیت کرده‌اند، تمامی اینها دین خدا را تغییر داده‌اند.

و همچنین ستمکارانی که در حد وفوری ستم روا داشته‌اند و در راستای خاموش کردن حق و قتل پیروان حق و آزار دادنشان قدم برداشته‌اند، و کسانی که به آشکارا گناهان کبیره را

انجام داده‌اند و گناه را دست کم گرفته‌اند و با انحراف و بدعت و هوایی نفسی رو برو شده‌اند، تمامی اینها نیز از حوض رانده می‌شوند.

لازم به ذکر است که اگر تنها در اعمال مرتكب گناه شده باشند، اما دارای عقیده‌ای صحیح باشند برای مدتی از حوض منع می‌شوند، سپس بعد از مغفرت الهی بر اثر نور وضوی که بدان شناخته می‌شوند به آنها اجازه‌ی ورود به حوض داده می‌شود، و اگر از منافقان عصر پیامبر الله صلی الله علیه وسلم باشند که ایمان را اظهار می‌داشتند و در نهان کفر را دنبال می‌کردند، در قیامت به ظاهر آنها را با خود بر می‌دارند، سپس سرپوش را برای آنها کنار می‌زنند و خطاب بدانها گفته می‌شود: دور شوید، دور شوید.

لازم به یادآوری است که جز کسانی که به اندازه‌ی دانه گندمی از ایمان در دلشان نیست و هر حقی را انکار نموده و از باطل پیروی نموده، کسی در دوزخ باقی نمی‌ماند. «الذکرة»: صفحه 306.

صدق الله العظيم و صدق رسوله نبي الکریم.

فهرست موضوعات و مطالب سُورَةِ الكوثر

صفحه	معانی و محتوای سوره ها	نام سوره	شماره
	- الكوثر = خیر کثیر.	سُورَةِ الكوثر	
	محتوای سوره کوثر: در این سوره الله متعال به پیامبر صلی الله علیه وسلم بشارت نعمت های فراوان از جمله کوثر داده و دشمنان او را ابتر می خواند.		1
	- وجه تسمیه.		2
	- علل نام گزاری سوره کوثر.		3
	- پیوند و ارتباط سوره الكوثر با سوره الماعون.		4
	- تعداد آیات کلمات و حروف سوره الكوثر.		5
	- اسباب نزول		6
	- پیش درآمد سوره کوثر.		7
	- تشریح لغات و اصطلاحات.		8
	- کوثر در لغت عرب.		9
	- ترجمه و تفسیر سوره کوثر.		10
	- ارتباط «فصل» با «وانحر» چیست؟		11
	- دروس آموزنده از آیه «فَصَلَّ لِرِبِّكَ وَ انْهَرْ».		12
	- تفسیر سوره کوثر برویت حدیثی انس بن مالک.		13
	- ابتر کیست؟		14
	- پیام های سوره الكوثر.		15
	- ثواب قرائت سوره کوثر.		16
	- حوض کوثر.		17
	- طول و عرض حوض کوثر.		18
	- احادیثی وارد در مورد حوض کوثر.		19
	- چه کسانی وارد حوض کوثر و چه کسانی از آن رانده میشوند؟		20

مکثی بر بعضی از منابع و مأخذها

1- تفسیر صفوۃ التفاسیر:

تألیف محمد علی صابونی (مولود 1930 م) این تفسیر در سال 1399ق نوشته شده است. نویسنده در تدوین این تفسیر از مهمترین و معتبرترین کتب تفسیر از جمله: تفسیر طبری، کشاف، قرطبی، الوسی، این کثیر، البحر المحيط و... استفاده بعمل اورده است.

2- تفسیر انوار القرآن:

تألیف عبدالرؤف مخلص هروی. «تفسیر انوار القرآن» گزیده ای از سه تفسیر: فتح القدير شوکانی، تفسیر ابن کثیر و تفسیر المنیر و هبه الزحیلی می باشد. سال نشر: 1389 هجری قمری - محل نشر: احمد جام - افغانستان

3- تفسیر المیستر:

تألیف: دکتر عایض بن عبدالله القرنی (اول جنوری 1959 م مطابق 1379 هجری) انتشارات: شیخ الاسلام احمد جام سال چاپ: 1395 ه.

4- تفسیر کابلی

تفسیر کابلی (ترجمه فارسی ترجمه عثمانی) مفسر: شیخ الإسلام حضرت مولانا شبیر احمد عثمانی رحمه الله علیه، مترجم: شیخ الہند حضرت مولانا محمود الحسن رحمه الله علیه، ترجمه دری / فارسی: جمعی از علمای افغانستان.

5- تفسیر معالم التنزیل - بغوی:

تفسیر البغوی تألیف حسین بن مسعود بغوی (متوفی سال 516 هجری قمری) این تفسیر به زبان عربی نوشته شده، واز تفسیر الكشف والبيان ثعلبی بسیار متأثر می باشد.

6- تفسیر زاد المسیر فی علم التفسیر:

تألیف: ابن جوزی ابوالفرج عبدالرحمن بن علی (510 هجری/ 1116 میلادی- 12 رمضان 592 هجری) «زاد المسیر فی علم التفسیر» مشهور به «زاد المسیر»، تفسیر متوسط ابن جوزی میباشد که: این تفسیر خلاصه از تفسیر بزرگ وی بنام المغنی فی تفسیر القرآن می باشد).

7. البحر المحيط فی التفسیر القرآن: ابو حیان الاندلسی:

تألیف: محمد بن یوسف بن علی بن حیان نفری غرناطی (654 - 745ق) مشهور به ابو حیان غرناطی. تفسیر «البحر المحيط» به زبان عربی می باشد. وی به تحقیق پیرامون کلمات هر آیه و اختلاف ترکیب ها و بلاغت، توجه خاصی مبذول داشته است.

8- تفسیر تفسیر القرآن الکریم - ابن کثیر:

تفسیر القرآن العظیم: تألیف عماد الدین اسماعیل بن عمر بن کثیر دمشقی (متوفی 774ق) مشهور به ابن کثیر. که از علماء ممتاز و محقق قرن هشتم به شمار می آید. (جلال الدین سیوطی، مفسّر و قرآن شناس بزرگ اسلامی می فرماید: ابن کثیر تفسیری دارد، که در سبک و روش همانندش نگاشته نشده است).

9- تفسیر بیضاوی:

یا «أنوار التنزيل و أسرار التأويل»، مشهور به «تفسیر بیضاوی» تألیف شیخ ناصر الدین عبد الله بن عمر بیضاوی (متوفی سال 791 ه) در قرن هفتم هجری این تفسیر به زبان

عربي تحرير يافته است. ودر سال (1418 ق يا 1998م) دار إحياء التراث العربي - بيروت - لبنان بچاپ رسیده است .

10- تفسیر الجلالین « التفسیرالجلالین »:

جلال الدين محلى وشاكىر دش جلال الدين سيوطى (وفات جلال الدين محلى سال 864 وفات جلال الدين سيوطى سال 911 هـ) (سال نشر: 1416 ق يا 1996 م . ناشر: مؤسسة النور للمطبوعات مكان نشر : بيروت - لبنان) اين تفسير در قرن دهم هجرى بزبان عربى واز معدود تفاسيرى است که توسيط چند عالم نوشته شده باشد.

11- تفسیر جامع البيان فی تفسیر القرآن - تفسیر طبری:

علامه أبو جعفر محمد بن جریر بن يزيد طبری متولد (224 وفات 310 هجری قمری) در بغداد ويا (839 - 923 ميلادي) (قرن 4 قمری، ناشر: دار المعرفة ، محل نشر: بيروت) شیخ طبری یکی از محدثین ، مفسر ، فقهی و مؤرخ مشهور سده سوم قمری است.

12- تفسیر ابن جزی التسهیل لعلوم التنزیل:

تألیف محمد بن احمد بن جزی غرناطی الكلبی مشهور به جُزی (متوفی 741ق) (ناشر: شركة دار الأرقام بن أبيالأرقام ، بيروت - لبنان) یکی از موجزترین و در عین حال مفیدترین و فراگیرترین تفاسیر مغرب اسلامی است.

13- تفسیر ابو السعود:

«تفسير إرشاد العقل السليم إلى مزايا الكتاب الكريم » تأليف: مفسر شیخ ابوال سعود محمد بن محمد بن مصطفی عمامی (متوفی 982) از علمای ترک نژاد می باشد.(محل طبع مکتبة الرياض الحدیثه بالرياض) .

14- تفسیر فی ظلال القرآن:

تألیف: سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی (متوفی سال 1387 هـ) . سال نشر 1408ق يا 1988 م. ناشر: دار الشروق، مكان نشر ، بيروت - لبنان

15- تفسیر الجامع لاحکام القرآن - تفسیر القرطبی:

نام مؤلف: عالم ومحقق مشهور اندلس (اسپانيا) علامه ابو عبد الله محمد بن احمد بن بکر بن فرح القرطبی (متوفی سال 671 هجری) هدف اساسی وی از تأليف اين تفسیر استنباط احکام ومسائل فقهی از قرآن کریم بوده است .

16- تفسیر معارف القرآن:

مؤلف: حضرت علامه مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی مترجم مولانا شیخ الحدیث حضرت مولانا محمد یوسف حسین پور.

17- تفسیر خازان:

نام تفسیر: « لباب التأویل فی معانی التنزیل (تفسير الخازان) » تأليف: علاء الدين على بن محمد بغدادی مشهور به الخازان (متولد ٦٧٨ و متوفی ٧٤١ هجری می باشد.)

18- روح المعانی (الوسی):

تفسیر «روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم» اثر محمود أفندي آلوسی است. (1217- 1270ق) سال نشر: 01 ینایر 2007 محل نشر ،ادارة الطباعة المنیرية تصویر دار إحياء التراث العربي.

19- جلال الدين سيوطي:

«الاتقان في علوم القرآن» تفسير الدار المنثور في التفسير بالتأثير
مؤلف : حافظ جلال الدين عبد الرحمن بن أبي بكر سيوطي شافعى . (١٤٤٥ - ١٥٠٥ م)
مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف ١٤٢٦ هـ المدينة المنورة

20- زجاج: «تفسير معانى القرآن فى التفسير»:

مؤلف: الرَّجَاجُ أَوْ أَبُو إِسْحَاقَ الرَّجَاجُ أَوْ أَبُو إِسْحَاقَ إِبْرَاهِيمَ بْنَ مُحَمَّدَ بْنَ السَّرِّيِّ بْنَ سَهْلٍ
الزجاج البغدادى است. (٢٤١ هـ - ٣١١ هـ - ٨٥٥ م - ٩٢٣ ميلادى)

21- تفسير ابن عطية:

نام كامل تفسير: «المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز ابن عطية» بوده
مؤلف آن: أبو محمد عبد الحق بن غالب بن عبد الرحمن بن تمام بن عطية الأندلسى
المحاربى (المتوفى: ٥٤٢ هـ) سال نشر: سنة النشر: ١٤٢٢ - ٢٠٠١ ، دار ابن حزم.

22- تفسير قتادة:

أبو الخطاب قتادة بن دعامة بن عكابة الدوسى بصري (٦١ هـ - ١١٨ هـ ، ٦٨٠ - ٧٣٦ هـ)
م) . وى از جمله تابعین بوده ، که در علوم لغت ، تاریخ عرب ، نسب شناسی ، حدیث ،
شعر عرب ، تفسیر ، دسترسی داشت . و در ضمن حافظ بود ، در بصره عراق زندگی
بسربردۀ ولی نابینا بود . امام احمد حنبل درباره او می‌گوید: «او با حافظه‌ترین اهل بصره
بود و چیزی نمی‌شنید مگر اینکه آن را حفظ می‌کرد ، من یک بار صحیفه جابر را برای
او خواندم و او حفظ شد .» حافظه او در طول تاریخ ضرب المثل بود . او در عراق به
مرض طاعون در گذشت .

23- تفسير كشاف مشهوريه تفسير زمخشري.

«تفسير الكشاف عن حقائق التنزيل و عيون الأقاويل في وجوه التأويل» مشهور به
تفسير كشاف . مؤلف: جار الله زمخشري (٤٦٧ رب ج ٢٧) - ٥٣٨ هـ
این تفسیر براى اول در سال: ١٨٥٦ ميلادي دردو جلد در كلکته بچاپ رسيد ، سپس
در سال ١٢٩١ در بولا ق مصر ، و در سال های ١٣٠٧ ، ١٣٠٨ ، و ١٣١٨ در قاهره به
چاپ رسیده است . محل نشر: انتشارات دار إحياء التراث العربي .

24- تفسير مختصر:

تفسير ابن كثير: مؤلف: ابو جعفر محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب طبرى مشهور
به جرير طبرى متولد ٢٢٤ وفات ٣١٠ هجرى قمرى در بغداد (٢١٨ - ٣٠١ هجرى
شمسى . تاريخ طبرى مشهور به پدر علم و تاريخ و تفسير است . سال طبع هفتم :
١٤٠٢ هـ - ١٩٨١ م - محل طبع : دار القرآن الكريم، بيروت - لبنان .

25- مفسر صاوي المالكي :

«حاشية الصاوي على تفسير الجلالين في التفسير القرآن الكريم» مؤلف : احمد بن محمد
صاوي (١١٧٥-١٢٤١ق) است .
سال و محل طبع : بالمطبعة العامرة الشرفية سنة ١٣١٨ هجرية .

26- سعيد حوى :

حوى، سعيد، حوى، سعيد، مفسر «الاساس في التفسير»(يازده جلد؛ قاهره ١٤٠٥)، که از

مهمترین و اثرگذارترین آثار حوزی به شمار می‌آید.

سال نشر : 1424ق یا 2003م ، محل نشر قاهره - مصر موسسه دار السلام

27- تفسیر کبیر فخر رازی:

تفسیر فخر رازی مشهور به تفسیر کبیر، شیخ الإسلام فخرالدین رازی (544 هـ 606 هـ) تفسیر کبیر مهمترین و جامعترین اثر فخر رازی و یکی از چند تفسیر مهم و بر جسته قرآن کریم به زبان عربی است .

28- تفسیر سدی کبیر :

تفسیر سدی کبیر اثر «ابو محمد اسماعیل بن عبدالرحمان»، معروف به سدی کبیر، متوفی ۱۲۸ هجری قمری از مردم حجاز است که در کوفه می‌زیست. وی مفسری عالی‌قدر و نویسنده‌ای توانا در تاریخ، بخصوص درباره‌ی غزوات (جنگ‌های) صدر اسلام است. از تفسیر او به نام «تفسیر کبیر» یاد می‌شود که از منابع سرشار تفاسیری است که پس از وی به رشته‌ی تحریر در آمده است. «جلال الدین سیوطی» به نقل از «خلیلی» می‌گوید: سدی، تفسیر خود را با ذکر سندهایی از «ابن مسعود» و «ابن عباس» نقل کرده است و بزرگانی چون «ثوری» و «شعبه» از او روایت کرده‌اند.

29- تفسیر المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز:

مؤلف: ابو محمد عبدالحق بن غالب بن عبدالرحمن بن غالب محاربی معروف به ابن عطیه اندلسی (481 - 541 هجری)

30 - تفسیر فرقان

تألیف: شیخ بهاء الدین حیسنى

31 - کتاب حاشیة محيی الدین شیخ زاده علی تفسیر القاضی البيضاوی

نویسنده: شیخزاده، محمد بن مصطفی

زبان: عربی

ناشر: دار الكتب العلمية

سایر نویسنگان: نویسنده: بیضاوی، عبدالله بن عمر - مصحح: شاهین، محمد عبدالقدار -

نویسنده: شیخزاده، محمد بن مصطفی .

32 - تفسیر گلشاهی

مؤلف: دکتر آناتووا آخوند گلشاهی

موضوع: ترجمه و تفسیر کامل قرآن کریم

33 - کتاب حاشیة محيی الدین شیخ زاده علی تفسیر القاضی البيضاوی

نویسنده: شیخزاده، محمد بن مصطفی

زبان: عربی

34 - تفسیر مجاهد

تفسیر مجاهد، اثر ابوالحجاج مجاهد (21 - متوفی 102 یا 103 یا 104 یا 105ق)

فرزند جبر و یا جبیر مگی مخزومی از مفسران تابعین و علمای علوم قرآنی است.

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library